



مریم گلوردی

توصیه‌های

یک‌پیر

انسان به حکم استعداد ذاتی خود مسؤولیت عظیمی نسبت به همه موجوداتی که در اختیار اوست دارد امیرالمؤمنین (علیه السلام) به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «مبادا که مانند حیوان درنده‌ای به جان مردم بیفتی، زیرا افراد رعیت، یا مسلمان‌اند و هم‌دین تو می‌باشند و یا اگر مسلمان نیستند، لااقل انسان‌اند و هم‌نوع تو می‌باشند.» کلمه «حق» و «حقیقت» را زیاد می‌گویم و می‌شنویم باید هم حق را بشناسیم و هم حقیقت را. اگر خودمان و خدای خودمان و جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم، شناختیم و به حقوقی که به عهده ما هست، آشنا شدیم، می‌توانیم با سربلندی و سرفرازی

ادعا کنیم که ما هم اهل حقیقت و هم اهل حقیقت. (۱) آینه تمام نمای ظهور و بروز حق و حقیقت، امروز در حنجره مردی می‌جوشد که حرف‌هایش چراغ راه ماست:

۱. ملت ما به برکت تجربه‌های بی نظیر دوران نظام اسلامی، ملتی مجرب، هوشیار، مقاوم و پرنشاط تبدیل شده و این ظرفیت و قابلیت را یافته است که بتواند نمونه‌ای برجسته و آموزنده‌ای را در سایه اسلام در مقابل چشم جهانیان قرار دهد.

۲. از بین بردن شکاف طبقاتی و تأمین رفاه عمومی از وظایف مهم نظام است؛ اما به موازات تلاش بی‌وقفه برای تحقق این هدف عالی، باید مجموعه‌ای وجود داشته باشد که به نیازهای فوری و روزمره محرومان رسیدگی کند.

۳. مردم تشنه کار سالم و صادقانه هستند و مسؤولان باید تا آنجا که می‌توانند، به مردم خدمت‌رسانی نمایند.

۴. با توجه به پشتوانه عظیم فکری و فرهنگی که اکنون در کشور وجود دارد، باید مبنای روشنفکری اسلامی شهید مطهری و روش ایشان در مصاف با افکار وارداتی مورد استفاده قرار گیرد.

۵. سال ۸۲ مثل همه دوران زندگی انسان سالی بود مشتمل بر غم‌ها و شادی‌ها، توانایی‌ها و کاستی‌ها، لذا همه باید دست به دست هم دهیم و فراتر از نگاه‌های کوچک و تنگ نظرانه، همت عالی خود را به اهداف والای انقلاب اسلامی معطوف کنیم و به سمت آن حرکت کنیم.

۶ سال ۸۳ در حقیقت سال ادامه همه فعالیت‌های اساسی از سوی مسئولان گوناگون برای کشور است.

وظیفه خدمتگزاری وظیفه‌ای نیست که پس از مدتی از دوش مسئولان برداشته شود. هم‌چنان که نهضت تولید علم، نهضت عدالت‌طلبی و نهضت مبارزه با فساد، کارهایی است که باید با شدت و قوت ادامه پیدا کنند.

۷. در واقع سال ۸۳، سال پاسخگویی سه قوه مجریه، مقننه، و قضاییه به ملت ایران است مطمئناً در این پاسخگویی، حقایق شیرین و بسیاری برای مردم روشن خواهد شد.

۸. لازمه حرکت قدم به قدم نظام اسلامی به سوی حیات طیب، پاسخگویی مسئولان و ارائه کارنامه خود به منظور اصلاح امور است و بر همین اساس، قوای سه گانه ضمن بیان عملکرد خود برای مردم، باید بدون استثناء خود را مشمول قاعده کلی نقد منصفانه، اصلاح و پاسخگویی بدانند.

۹. مهمترین شرط برای اصلاح امور و رسیدن به هدف متعالی، ارائه کارنامه جزء به جزء دستگاه‌های مختلف نظام از جانب مسئولان آن‌ها به مردم است که در صورت انجام این کار، هم حقایق خوشحال‌کننده و درخشان و هم نقاط منفی دستگاه‌ها برای مردم مشخص خواهد شد.

۱۰. امروز دشمنان و مستکبران متوجه شده‌اند که ملت ایران ملتی است که به هنگام، و به وقت نیاز، اقتدار ملی خود را به ظهور می‌رساند، لذا این آگاهی و هوشیاری باید حفظ شود و دشمن باید بداند هر تصمیمی که بر ضد ملت آزاد ایران بگیرد، نقش بر آب خواهد شد، زیرا ملت ایران بیدار است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شهید مطهری، حکمت و اندرزها، ص ۱۰۷، (بازاندکی تلخیص)

حلاوت با طراوت

هروقت بهار از راه می‌رسد، تازه می‌فهمیم که جهان هستی گاهی وقت‌ها زیبایی‌هایش را به رخ آدم می‌کشد و این ما هستیم که همیشه خیلی زود، همه چیز را فراموش می‌کنیم. روزهای اول بهار وقتی شکوفه‌ها می‌شکفند، همه از حلاوت و درخت‌ها و طبیعت می‌گویند، اما همین ما آدم‌ها گاهی اصلاً تحمل «طراوت» را نداریم. به هر حال به فکر «طراوت‌ها» و «حلاوت‌ها» باشیم. نمی‌خواهم کسی را نصیحت کنم اما شکوفایی ما آدم‌ها همین چند روزی است که سرحالیم و پرانرژی و دست و دلمان پر است از شکوفه. مبادا زود همه چیز را فراموش کنیم.

دیگر اینکه اگر شما عاشق یک گل باشید و این گل را از ابتدا پرورش بدهید و تمام مراحل رشد و نمو آن را از مقابل چشمانتان بگذرانید، دیگر این گل برای شما با تمام گل‌ها فرق می‌کند. اصلاً این گل خیلی برایتان قشنگ تر است؛ حتی اگر گل کاکتوس باشد که همه‌اش خار است. به هر حال، گلی که به دست خود آدم پرورش می‌یابد، خیلی دوست‌داشتنی است. بی‌شک باغبان هرچقدر وسعت سبزه چشمانش بیشتر باشد، از این حلاوت‌ها لذت می‌برد. این وظیفه گل است که با تمام جلوه‌گری گوشه قلب باغبان خود را تصاحب کند. گل وجودی ما آدم‌ها، پدران و مادرانی هستند که با زحمت فراوان در پرورش ما، کوشیده‌اند. باید نه جوانه‌های وجودمان را فراموش کنیم و نه دست از جلوه‌گری‌های خود برای باغبانان برداریم. باغبان وقتی طراوت گل را می‌بیند، صدها برابر بیشتر از انسان‌های معمولی لذت می‌برد.

در محله ما بقالی‌ها لوازم یدکی می‌فروشند

«شما جای من بودید چه می‌کردید؟ در این محله ما همه چیز با همه جا تفاوت دارد. اگر مثلاً در محله شما مردم آبگوشت نذری می‌دهند، در محله ما گوشت کوبیده نذری تقسیم می‌کنند. اگر در محله شما روز عید شربت پخش می‌کنند، در محله ما دوغ می‌دهند. اگر در محله شما بقالی خواروبار می‌فروشند، در محله ما بقالی لوازم یدکی می‌فروشند. خلاصه همه چیز در این محله متفاوت است؛ حتی آدم‌ها. این همه را از این جهت گفتم که تازگی ما پیرمردهای محل قرار است، یک مجله راه بیاورند؛ آن‌هم با حال و هوای متفاوت و «اکتیو». همین اول کاری چند جلیقه خبرنگاری بنفش برای خودشان سفارش داده‌اند که برای خالی نبودن عریضه آن‌ها را بپوشند. راستش را بخواهید به ما کمی برخورده است. این آقایان عصباً به دست (تقریباً هفتاد درصد آن‌ها) به جای اینکه هر از گاهی ما را میهمان خاطرات خود نمایند واز تجربه‌هایشان به ما نیز چیزی را بیاموزند، می‌خواهند... بگذریم. البته یک بخشی هم تقصیر خود ماست. این قدر بی‌حال و شل و ولیم که نگو... آخه پدر آمرزیده‌ها چرا به فکر عاقبت کارتان نیستید؟ چرا به ذکر و دعا نمی‌پردازید؟ همه کارها ی‌تان را انجام داده‌اید، مانده مجله زند!»

این حرف‌ها بخشی از حرف‌های یکی از بچه‌های محل بود در نطق انتخابت‌ای‌اش برای حضور در شورای محل. راستی نظر شما چیست؟

Please Wait ... یادداشت‌های سردبیر

از «جنگ ستارگان» تا «نوشابه رژیمی»

اشاره:

این صفحه یادداشت‌های سردبیر، برعکس اسم آن که خیلی اختصاصی است - یک صفحه کاملاً باز است؛ یعنی از شما خوانندگان عزیز گرفته تا همکاران مجله هرچه دل تنگتان می‌خواهد، می‌توانید برای من سردبیر بفرستید و بنده (ان شاء الله) در این صفحه به قول بچه‌ها می‌چاپانم! در اینجا یک نکته را نباید فراموش کنیم. آنچه در این صفحه روی کاغذ حک می‌شود، حرف‌های متفاوت ما آدم‌هاست. نمی‌خواهم درد دل کنید، بلکه می‌خواهم حرف‌هایتان را بزنید. نظراتتان را ارائه کنید. به شدت با شکایت و یأس و ناامیدی و این زهرماری‌ها مخالفم. جوان باید حرف برای گفتن داشته باشد. آن هم در تمام موضوعاتی که به او مربوط می‌شود. خیلی بد است که ما فقط یاد گرفته‌ایم «غر» بزنیم. غر زدن‌های مکرر که کاری ندارد. حرف و ایده داشتن حتی اگر درب و داغان هم باشد، بهتر از غر زدن است و این صفحه، صفحه حرف‌های شماست. از «جنگ ستارگان» بگیرد تا «راه حل فرمول‌های چندصد مجهولی فیزیک» تا «فوتبال» و «نوشابه رژیمی» و...

پس مشتاقانه منتظر حضور شما در این صفحه می‌مانیم. راستی یاد رفت بگویم؛ همان‌طور قبلاً هم شمار داده بودیم (!) هرکدام از شما عزیزان می‌توانید سردبیر مجله ما باشید. البته بشرط‌ها و شروطها. نام این صفحه هم به همین خاطر است.